وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۴ | چهارشنبه ۱۰ جدی ۱۳۸۲ | ۸ ذوالقعده ۱۴۲۴ - | 31 December 2003

سرمقاله

همیشه سرنوشت برنامه های تحمیلی چنین است

ص۲

دولت باید دملت په وړاندي خپل رسالت سرته ورسوي

ص۲





در هفدهمین روز لویه جرگهٔ قانون اساسی

- تشنج در فضای لویه جرگه بی سابقه بود
- تحریف ماموران دولت در کار کمیتهء تفاهم، خشم نمایندگان را برانگیخت
- وکلا گفتند هیچ کارشناس حق ندارد به جای نمایندگان تصمیم بگیرد
- کم بها دادن به نظریات کمیتهٔ تفاهم، به معنی بی اهمیتی نظریات نمایندگان است

در هفدهمین روز لویه جرگه فضای جلسه برای یک ساعت اول عاری از تشنج بود، اما زمانی که طرح تحریف شده یی به نام نظریات کمیتهٔ تفاهم اعلام گردید، تشنج بر فضای مجلس حاکم شد.

عده یی از نمایندگان خواستار وقت کافی برای سخنرانی شدند اما هیأت مدیرهٔ لویه جرگه با تحکم برخورد نموده و گفتند که جلسه برای دو ساعت تعطیل می شود و شما روی طرح ها غور نمایید.

یکی از نمایندگان گفت که برای دو ساعت موسیقی و ترانه پخش گردید، اما به بهانهٔ نداشتن وقت کافی از سخنرانی نمایندگان مردم جلوگیری به عمل آمد.

آگاهان می گویند که دست هایی در کار شدند تا مسودهٔ تهیه شده از جانب دولت را با اغفال نمودن نمایندگان به تصویب برسانند؛ اما نمایندگان مردم احتجاج نموده و خشمگین شدند و از هیأت مدیره خواستند که استقلال عمل خود را حفظ نماید.

رسانه های دولتی افغانستان نشر مستقیم از لویه جرگه را خاتمه دادند و به پخش موسیقی حماسی و میهنی پرداختند تا مردم در جریان وقایع قرار نگیرند. این در حالی است که مقامات دولتی ادعای پخش مستقیم و بدون سانسور مراسم را نیز طرح نموده بود.

در چنین حالتی یکی از رادیو های خارجی، صدای یکی از نمایندگان را نشر نمود. این نماینده خواستار برکناری همان دو مامور عالیرتبهٔ دولت گردید ص۳

فردین

وای از این همه دموکراسی!

این روز ها وقتی هر کسی را از عملی خلاف منع کنی، با طعن و لعن برایت می گوید که برو برادر پشت گپ نگرد، دموکراسی است.

باور دارم که این تنها من نیستم که با چنین برخوردهایی مواجه شده ام، اکثریت مردم، این وضعیت ناهنجار را عاجزانه تحمل می کنند. مثال می دهم، وقتی به کست فروشی که در کنار جادهء عمومی آهنگ های منافی اخلاق را بسیار بلند می شنود، بگویی که برادر کمی به اندازه! این همه آواز بلند برای مردم مزاحمت خلق می کند؛ او حتما می خندد و می گوید که حالا دموکراسی است آن زمان ها گذشت!

پسر بچه هایی که در راهرو زیر زمینی مقابل هوتل پلازا به آزار و اذیت دختران و خانم های رهگذر می پردازند، نیز دلیلی غیر از دموکراسی ندارند و حتی پولیس را با وجود شکایات متعدد مردم، یارای آن نیست که به جلوگیری ایشان اقدام نماید. زیرا پولیس هم بعد از تأسیس ادارهٔ حقوق بشر، راه خود را گم کرده است و می بیند که توقیف و دستگیری هر کسی به حقوق بشر ربط داده می شود و پاسخ آخر همین می آید که دموکراسی است و شما مزاحم نشوید!

سخن را فشرده کنم که در جامعهٔ ما عمدتاً کم سوادان، دموکراسی را به معنی و مفهوم دیگری تحویل گرفته اند ص۲

عقل دو وزیر بر زحمات شانزده روزهٔ نمایندگان چیره گشت

مصطفی شهری

در پی تحولاتی که در روز های شانزدهم و هفدهم لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی به میان آمد، چنان به نظر می رسد که عقل دو مامور دولت بر کارکرد ها و زحمات ۱۶ روزهٔ نمایندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، غالب شده باشد. جناب حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه از این دو نفر نام برد و گفت که انوارالحق احدی رئیس بانک مرکزی و رئیس حزب افغان ملت و میر محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی، تغییراتی را در کار کمیتهٔ تفاهم وارد ساخته اند.

هنگامی که حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه از وزیر بازسازی خواستار توضیحات در برابر نمایندگان لویه جرگه گردید، وزیر مذکور حاضر نشد تا در مورد طرح های وارد آوردهٔ خود صحبت کند.

مردم ما مثلی دارند که «سیل بین عقل چهل وزیر را دارد». اگر این دو مامور دولت موفق شوند تا نظریات و طرح های خود را بر نمایندگان مردم تحمیل نمایند، چنان می نماید که ضرب المثلی دیگری نیز به میان بیاید «دو وزیر سیل بین عقل ۵۰۲ نماینده را دارند». حالا این واقعیت تلخ کاملاً روشن شده است که دولت در پی تصویب همان مسوده یی است که خود آن را تهیه دیده است.

از نامه هاي آمده

آفرین بر جرأت دکتر رهین!

ص۴

استاد رباني دجهاد او مقاومت لاربنود:

ملي یووالی د لویې جرگې ستره هیله ده

هر کس به خود و کرسی اش می اندیشد و هیچ کس به «ما»!

کوه نوری

بحث و جدل و برخی افشاگری ها در روز شانزدهم لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی نشان داد که اعضای حکومت بیشتر به خود و کرسی های شان می اندیشند و کمتر به آیندهٔ کشور و مردم.

عده یی از قدرتمندان که به هر گفته و کردهٔ خود رنگ دموکراسی می بخشند و آن را از جهت همنوا بودن با دموکراسی مطلوب حال کشور و مردم می دانند، بیشتر نگران آن اند تا راهی را برای حفظ قدرتمندی خود در آینده پیدا نمایند. وزرایی که تابعیت دوگانه دارند، حاضر نیستند تا به این امر تن در دهند که کاندیدای وزارت در حکومت آینده نباید تابعیت دوگانه داشته باشد؛ زیرا آنان به این گونه امتیازی را از دست می دهند و در این میان یک سوال منطقی مردم که شما به کدام تابعیت تان بیشتر وفادار خواهید ماند؟ بی جواب می ماند.

عده یی دیگر که همسر خارجی هم ندارند، حاضر نیستند که نداشتن همسر خارجی را به حیث یک شرط برای کاندیدای کرسی وزارت در حکومت آینده بپذیرند. ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

همیشه سرنوشت برنامه های تحمیلی چنین است

تشنجی که در روز های شانزدهم و هفدهم کار لویه جرگهء تصویب قانون اساسی بر فضای مجلس حاکم گردید، نشان داد که هیچ جناحی ولو دولت نباید کوشش کند که به نام کارشناس و یا متخصص در کار تصویب قانون مداخله نماید.

تحریفاتی که از جانب دو مامور دولت در کار کمیتهء تفاهم وارد آمده بود، فضای لویه جرگه را به حدی در بی اعتمادی فرو برد که نمایندگان مردم از اشتراک در هر گونه رأی شماری و انتخابات به اساس طرزالعمل جدید خودداری ورزیدند و عده یی خواهان برکناری هر دو مامور دولت شدند.

بیداری نمایندگان مردم و موضعگیری مسؤولانهٔ آنان در برابر قضایای مربوط به سرنوشت امروز وفردای این ملت تجاوز ستیز وپاسخ«نهء» آنان به برنامه های از پیش آماده شده توسط هیأت حاکمهٔ دموکراسی شعار ودیکتاتور مآب وبلند گویان شان، گویای این حقیقت است که دیگر نمی توان این ملت آزمون دیده در کورهٔ انقلاب را شکار آن دام ودانه هایی کرد که تاریخ مصرف شان سپری شده است:

برو این دام در جایی دگرنه
که عنقا را بلند است آشیانه

آری! همین درک وآگاهی ومسؤولیت شناسی نمایندگان ملت بود که همزمان بااعلان دستبرد فیصله ها ومصوبات کمیتهٔ تفاهم که از طرف شخصیت هایی چون آیت الله محسنی وبرخی نمایندگان دیگر ابراز گردید، آنان را واداشت تا در برابر این گونه شب بازی ها مجدانه ایستادگی نشان دهند ونگذارند که سرنوشت این ملت بزرگ وقهرمان به معامله گرفته شود واراده وخواست آنان قربانی تطبیق برنامه هایی گردد که تاروپود شان را دیگران می ریسند.

ما به این باوریم که هر آنچه که از عمق وژرفای اراده وخواست توده های میلیونی سرچشمه نگرفته باشد، دچار چنین سرنوشتی خواهد گردید وآنچه در تاریخ ملت ها پایا وماندگار است همانا راستی وراستگاری است.

به باور ما یگانه راهی که می تواند به بحران کنونی حاکم بر فضای لویه جرگه پایان ببخشد همان حق دادن به وکلای مردم است. نمایندگان مردم از این همه طرزالعمل سازی های شبانگاه، خسته شده اند و دیگر درک کرده اند که طرزالعمل ها چرا هر روز تغییر می یابد؟

نباید هیچ کسی کوشش کند که در راه رسیدن به تفاهم ملی برای تصویب قانون اساسی مانع ایجاد کند. هر گونه سهل انگاری در کار تصویب قانون اساسی و هر نوع مداخله در کار لویه جرگهء قانون اساسی می تواند پیامد های بسیار ناگوار را سبب گردد.

وای از این همه . . .

و بیشتر فکر می کنند که دموکراسی، یعنی هر چه که می خواهی بکن و بی بند و باری را مانعی نباید باشد.

آن روزها وقتی طالبان بر مردم بیداد می کردند، با یک دوست در مورد شرایط بعد از طالبان صحبت می کردیم. نتیجهٔ صحبت ما همین شد که اگر طالبان به یک باره کنار زده شوند، بسیار خطرناک ثابت خواهد شد. ما دلایلی برای این پیشبینی داشتیم. طالبان مردم را مانند یک فنر (Spring) تحت فشار قرار داده بودند و طبیعی است، هر گاهی که از روی یک فنر، فشار وارده رفع شود، فنر خیز بر می دارد و به گوشه یی پرتاب می شود. البته که مسیر گوشهٔ پرتاب شده، برعکس فشار وارده می باشد.

طالبان مردم را در جهت سلب آزادی های شان تحت فشار گرفته بودند و ما احساس خطر می کردیم که رفع یک باره و ناگهانی این فشار به بی بند و باری نینجامد؛ زیرا گاهی آزادی با بی لجامی به اشتباه گرفته می شود.

خوشبختانه که تا حد زیادی چنان نشد و این بی بند و باری صرف درصد کمی را احتوا کرد و من می بینم، کم نیستند کسانی که از این گونه بی بند و باری رنج می برند وخون دل می خورند و هیچ هم از دست شان نمی آید؛ زیرا دموکراسی است!

راستش این روزها باور کردم که پیش بینی من و آن دوست اگر در مورد همهٔ مردم نادرست ثابت گردید اما در مواردی بسیار خوشبینانه هم بود و ما کمتر از حدی که اتفاق می افتاد، اندیشیده بودیم و به اصطلاح عوام عقل ما چندان قد نداده بود.

به این نتیجه گیری در روز شانزدهم لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی رسیدم. بسیار می خواستم به آن دوست که حالا در ایالات متحده به سر می برد، تلفنی بکشم و او را هم در جریان قرار دهم که برادر! من و خودت بسیار ساده بوده ایم. حالا بیا و روزگار را در زیر سایهٔ دموکراسی ببین. اما این کار را نکردم. ترسیدم و حق هم داشتم؛ زیرا با خود اندیشیدم که او خود در ایالات متحده به سر می برد. خدا می داند که در آن جا چه حالی را از دست دموکراسی متحمل می شود.

بیایم به اصل مطلب: در روز شانزدهم لویه جرگه، اطلاع حاصل کردم که عده یی وزیر و متخصص و کارشناس دموکرات که نسبت به همه اعضای کابینه و سایر ماموران دولت، ظاهر آراسته دارند و راستش که سخن گفتن دربارهٔ دموکراسی هم از دهن آنان زیبنده می آید، شب هنگام بعد از ختم جلسهٔ روز پانزدهم لویه جرگه و پایان یافتن رایزنی نمایندگان مردم به محل لویه جرگه می روند و تعدیلات کارشناسانهٔ خود را در متن مسودهٔ پیشنهادی نمایندگان مردم داخل می سازند.

نظام آینده چگونه ساختاری خواهد داشت. قضات، دادستان کل، افسران قوای مسلح و عده یی دیگر حق ندارند که در هنگام تصدی وظیفه، عضویت حزب سیاسی را داشته باشند، اما رئیس بانک مرکزی چگونه حق دارد که رئیس یک حزب سیاسی هم باشد؟

حضرت مجددی که از گذشته ها به رُک و راست گویی شهرت دارد، در جلسهٔ روز شانزدهم لویه جرگه هنگامی که از طرف اعضای کمیتهٔ تفاهم مورد انتقاد قرار گرفت، توضیح داد که این کار را من نکرده ام، متخصصین آمدند و چنین گلی را به آب دادند.

حضرت صاحب در زمرهٔ متخصصین از انوارالحق احدی رئیس بانک مرکزی و رئیس حزب افغان ملت، میر محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی و چند کارشناس! و مصلحت بین دیگر نام برد.

حضرت صاحب اضافه کرد که ایشان آمدند و بعد از بحث، ما را قانع ساختند و تغییرات را وارد آوردند. حضرت صاحب در حالی که از تکمیل بودن نصاب اعضای کمیتهٔ تفاهم صحبت کرد، همزمان گفت که ۹ نفر در آن جا حضور داشتند.

اعضای کمیتهٔ تفاهم از رؤسا و منشیان ده کمیته و هیأت مدیرهٔ لویه جرگه تشکیل یافته است که کم از کم پنجاه عضو دارد و من ندانستم که با ۹ نفر چگونه نصاب تکمیل شده است: بعد با خود گفتم که شاید حضرت صاحب کارشناسان دولتی! را نیز در شمار گرفته و نصاب را پوره ساخته باشد. اما هنگامی که دانستم ۸ نفر از این ۹ عضو، منشیان انتصابی کمیته ها بودند، بسیار دلم را گرفت و گفتم بدا به حال مردمی که به جای نمایندگان ایشان کسانی دیگر تصمیم می گیرند و در لباس کارشناس و متخصص ظاهر می شوند و مصلحت های دیگران را بیشتر از حقایق و وقایع کشور شان ارج می گذارند.

نکتهٔ بسیار جالب موضوع در اینجاست که وقتی مطلبی در این مورد نوشتم و به نشریه یی بردم تا به چاپ برسد، مسؤول آن نشریه باب بحث و مناقشه را با من گشود. من گفتم که برادر! موضوع مهم است، عده یی از ماموران دولت آمده اند و به جای نمایندگان مردم تصمیم اتخاذ کرده اند. مثلاً رئیس صاحب بانک مرکزی برخلاف خواست و تقاضای نمایندگان مردم که می گویند صلاحیت نشر پول به شورای ملی تعلق داشته باشد، آمده است و در قانون تغییر وارد کرده که این صلاحیت به رئیس بانک سپرده شود. آیا انوارالحق احدی ریاست بانک را به اجاره گرفته و یا تضمینی به دست آورده است که در آینده هم رئیس بانک می باشد. آخر این نظام آینده چگونه ساختاری خواهد داشت. قضات، دادستان کل، افسران قوای مسلح و عده یی دیگر حق ندارند که در هنگام تصدی وظیفه، عضویت حزب سیاسی را داشته باشند، اما رئیس بانک مرکزی چگونه حق دارد که رئیس یک حزب سیاسی هم باشد؟

وقتی این همه سوال و پرسش من به پایان رسید، مسؤول آن نشریه برایم گفت:

«برادر! سرت را به درد نیاور، چه می شود که چند وزیر به جای نماینده های مردم تصمیم بگیرند و تغییراتی را در قانون اساسی وارد کنند. آخر بیدار هستی یا نی؟ دموکراسی است!»

و من که باز با همان دلیل دل آزار و کهنه برخورده بودم، با خود گفتم که وای از این همه دموکراسی که حتی تأثیرات منفی آن به کابینه نیز رخنه کرده است.

دولت باید دملت په وړاندې خپل رسالت سرته ورسوي

ش- الماس

داساسي قانون دتصويب دلويې جرگې په بهير کې دکابينې وزيرانو خپل کاري ريپورتونه ولوستل له هغوي نه څرگنده شوه چې په تيرو دوو کالو کې دهيواد دټولو سياسي، ټولنيزو، اقتصادي او فرهنگي پرمختگونو له پاره يواځې طرحې او ستراتيژۍ جوړې شوي، دوزيرانو په عالي شورا کې پريکړې او فيصلې وشوې او يا ددولت درئيس له خوا حکمونه او فرمانونه صادر شول خو ددغو ټولو طرحو او فرمانونو دتطبيق له پاره عملي امکانات نه دي برابر شوي. او نه زموږ دملي ژوندانه دسمون او اصلاح په لاره کې بنيادي گامونه پورته شوي دي.

موږ وينو چې دلنډ مهالي او بيا وروسته دانتقالي اداري په تيره دوه کلنه دوره کې داسې زير بنائي پروژې نه دي جوړې شوي چې دهغو په برکت دي زموږ په کرنه، صنعت، تجارت او نورو اقتصادي برخو کې دپادوني وړ بدلون راشي او زموږ بشري خواک نه دي چې ديکاري له لاسه خوريږي دغه راز پروژو کې دژوند دتامين له پاره امکانات پيدا شي او موږ دي دصنعتي کيدو يا زراعتي کيدو په لور گټور گام پورته کړو

همدا وجهه وه چې په لويه جرگه کې ځيني هيواد دوست استازي. دې ته مجبور شول چې په انتقالي دولت انتقاد وکړي او ددغه دولت عدم موثريت او نيمگړتياوي را برسيره کړي.

موږ دساري په توگه په دي برخه کې داساسي قانون دتصويب دلويې جرگې دکابل ښار دمنتخبې استازي مسعوده جلال خبرې يادولې شو چې وي ويل «دافغانستان انتقالی اداري.

ص ۳

بگیر که نگیره

کیومرث

مردم ما مثلی دارند که در مواردی خاص به کار برده می شود وآن زمانی است که شخص مجرمی، برای نجات خود، وبرای این که موضوع را مغشوش نماید وطرف را زیر تأثیر خود قرار دهد، موضوع را به گونه یی وارونه مطرح می کند. ومردم در چنین حالتی می گویند بگیر که نگیره. حال در افغانستان نیز وضع به همین گونه است. دشمنان جهاد ومقاومت افغانستان، یا آنانی که می خواهند منافع خود را مطرح کنند، وتلاش دارند، جرایم خویش را پنهان نمایند. پیوسته تکرار می نمایند وهمه رسانه های جمعی وبین المللی نیز دستور دارند که آن را تکرار نمایند وآن این است که باید بدون وقفه مجاهدین متهم شوند وجنگ سالار و ویران گر معرفی گردند.

در این اتهام چند غرض نهفته است، اول این که افتخار وامتیازی که برای یک ملت آزاده باید اختصاص یابد وداده شود، در زیر سایهٔ آن فراموش گردد. دیگر این که مجرم اصلی ناشناخته بماند. ورنه مردم می دانند که طالب با بادهوا، طوفان خلق نمی کرد. او مربی داشت، لوژستیک داشت. امکانات برایش میسر می شد، واهدافی را برآورده می کرد اکنون که مجاهدین ونیروهای مقاومت پیوسته مورد اتهام قرار می گیرند وضعیت به گونه یی تغییر یافته است هرکه مجاهدان وآزادگان را متهم می کنند، در حالی که مجاهدان باید حقوق وامتیازات خود را بخواهند. و در قانون اساسی امتیاز خاصی به آنان ثبت گردد، نه به کسانی که کارنامهٔ شان ننگ یک ملت آزاده است. باید جایزهٔ جهاد ومقاومت تعیین گردد. باید جرگهٔ مردم، آزادگان را به عنوان قهرمانان تسجیل نمایند وباید جاده ها، وایستگاه ها با افتخارات وارزش های جهاد ومقاومت نام گذاری گردند.

اگر گفته می شود، مجاهدان شهر را خراب کردند، باید گفت: شهر را متجاوزان خراب کرده اند، وقتی مقاومت نمودی خرابی هم می آید. یا باید آزاد زیست ویا ذلیل وخار بود وخراب نشد. ودیگر این که اگر خرابی شهرها در جریان جنگ جرم است، باید امریکا به خاطر ویرانی عراق در صدر این جنایتکاران محاکمه شود، روسها در زمان تجاوز خود ویران کردند وکشتار نمودند و در زمان مجاهدان، به خاطر دفاع ویرانی آمده وهزاران مجاهد نیز مظلومانه شهید گردیده است. ودر روزگار طالب مجرم اصلی کسانی اند که امروز دم از آزادی می زنند. آن روزگار از استبداد وسیاه کاری طالب حمایت کردند و امروز به جای پاسخ دهی، آزاد مردان را متهم می کنند.

اکنون برای ملت مجاهد، برای نمایندگان یک سرزمین آزادهٔ کفر شکن ومتجاوز ستیز، در این جرگهٔ اساسی وبزرگ لازم است که از حالت دفاع بیرون آیند وتهاجم کاذب وبی شرمانهٔ دشمن را وقعی نگذارند، وبه فکر دفاع در برابر افراد اجیر وتعلیم یافتهٔ غیر نباشند. بلکه بسیار استوار، متین وبااستدلال از تاریخ وافتخارات وارزش های خویش سخن گویند. ودر این قانون امتیاز جهاد ومقاومت وآزادگی را به نام خود ثبت نمایند، به نام ملتی که شایستهٔ آن است. دشمن جبهه یی تازه ایجاد کرده است، ترا متهم می سازد وشخصیت کاذبی را بزرگ می کند این کاری است که مصداق همان مثل راستین مردم است که می گویند: بگیر که نگیره. یعنی ما را متهم می کنند تا جرم خود را پوشیده نگهدارند. اگر وکلای ملت از حالت دفاعی بیرون نشوند، وباغرور از شرف این ملت باعزت دفاع ننمایند وثبت وثیقهٔ ملی نسازند، دریغا بر ما ودریغا بر ملت غیور ومتجاوز ستیز!

هر کس به خود و کرسی اش می اندیشد و ...

گویا این عده تصمیم دارند تا چنان کاری را انجام دهند و همسر خارجی بگیرند! اما باز هم مشکل کشور و مملکت از توجه به دور می ماند و آن این که اگر یک وزیر یا افسر عالیرتبه» قوای مسلح همسر خارجی داشته باشد، بیم افشا شدن اسرار دولتی چگونه خواهد شد؟

با آن که نداشتن تابعیت دوگانه و همسر خارجی برای رئیس دولت به حیث یک شرط معقول ذکر گردیده است، اما معلوم نیست که چرا وزرای محترم به این شرط تن در نمی دهند؟

یکی از ماموران عالیرتبه» دولت دلیل می آرد که ما به کارشناسان ضرورت داریم و آنان با وجودی که به کشور خود عشق می ورزند اما تابعیت دوگانه دارند و ما نباید با این گونه تصامیم جلو همکار شدن آنان را سد نماییم. اما این مامور نمی گوید که این عده که به کشور خود عشق می ورزند و رنج دو دهه دوری از وطن را نیز متحمل شده اند، چرا اندازه» عشق خود را کمی بیشتر نمی کنند و از تابعیت دومی خود برای کسب اعتماد مردم صرف نظر نمی کنند؟ از چه تشویش دارند؟

دیروز در جلسه» لویه جرگه افشا گردید که رئیس بانک مرکزی با اظهار نظر و مداخله در امر تصویب قانون اساسی، صلاحیت نشر پول را به رئیس بانک مختص ساخته است. حالا از که بپرسیم که این همه صلاحیت طلبی برای چه؟ آیا شورای ملی به نمایندگی از مردم تصمیم معقول را می تواند اتخاذ کند یا یک فرد؟

این روز ها همه به تشویش و دلهره افتاده اند که هر کس به خود و کرسی اش می اندیشد و هیچ کس به «ما»!

دولت باید دملت په وړاندې خپل رسالت . . .

دبن له موافقو سره سم، هغه وظيفي چي ورته سپارل، شوي وي. په بشپړه توګه سرته ونه رسولي او کومي چي سرته رسيدلي هغه کافي او قناعت بخښه نه دي.

دملي اردو او ملي پوليسو په جوړولو کي له ځنډنه کار واخيستل شو دادارې فساد په وړاندې صادقانه ګام پورته نه شو او يا په بله وينا په عارفانه تجاهل سره د اداري فساد له مينځه وړلو په عامل باندي چي هغه د دولتي کارمندانو دمعاش کموالي دي سترګي پټي شوي دي"

دکابل دخلکو استازي مسعودد جلال دانتقالي اداري له خوا دبيلا بيلو کميسيونونو جوړولو ته هم اشاره وکړه زياته ئي کړه چي دغه راز کميسيونونو دلمس وړ پايلي نه درلودي بلکي يواځي نمايشي بڼه لري

که مونږ دتيرو دووکالو دولتي کارونه وارزوو دا به راته ځرګنده شي چي دغه راز کارونه دخلکو له هيلو او غوښتنو څخه ډير کښته و. نه خو له ټول افغانستان څخه وسله ټوله شوه او نه مرکزي دولت خپله واکمني ولايتونوته وغځولي شوه. نه خو کومه ملي او ملي ستراتيژي مينځ ته راغله او نه خلکوته دهغو مرستو په باب کوم روڼ حساب وړاندي شو چي په تير وخت کي ترسره شوي دي او دخلکو دقناعت وړ نه دي

تر او سه څه دپاسه دوه مليارډه ډالرو دمرستندويه هيوادو له خوا دولت جذب کړي خو خلک نه پوهيږي چي په دغه ستر رقم باندي څه ډول رغوني وشوي. دغه مساله که له يوي خوا زمونږ دخلکو انديښنه زياته کړي نو له بلي خوا مرستندويه هيوادو هم خپل موټي کلک کړي او د مرستي له کولونه ئي ډډه کړي ده

همدارنګه خينو وکيلانو دنشه ئي موادو دکرکيلي او دهغو دقاچاق په باب په دولتي مقاماتو نيوکي وکړي او زياته کړي ئي ده چي په دي برخه کي. هم اغيزمنه ستراتيژي نشته او هم کوم مقتدر او باصلاحيت ارګان چي ټول امکانات ولري او تل فعال وي نو څکه خو ورځ په ورځ دمخدره موادو کرکيله او قاچاق پراختيا مومي. دولت ترپوالي ټولني ته بي اعتباره کيږي او حيثيت ته ئي تاوان رسيږي

مونږ هيله من يو چي انتقالي دولت دخپل کار په پاتي موده کي دغو ټولو نيمګړتياوته کلکه پاملرنه وکړي. دخلکو داستازيو نيوکي وړانديزونه او نظريات باېس ونه بولي او هغه نړيوال باورته زيان ونه رسوي چي دبن په کنفرانس کي پري شوي دي

زمونږ هيله داده چي انتقالي دولت له خپلو ټولو امکاناتو څخه دهيواد دپرمختګ سمونړيا او دخلکو دهر اړخيزي سوکالي له پاره کار واخلي. خپل دراتنه مسئوليتونه په بشپړه توګه احساس کړي او دخداي ج او ملت په وړاندي خپل ورسپارل شوي ملي او ټولنيز رسالت سرته ورسوي او دخپلو کړو وړو په وړاندي ورسره تل دملت دخلکو دمحاسبي انديښنه ملګري اوسي

در هفدهمین روز لویه جرگهٔ ...

جلسهٔ هفدهمین روز لویه جرگه چند مرتبه با تعطیل مواجه گشت و حتی گزارش های تأیید نشده می رساند که هیأت مدیرهٔ لویه جرگه در میان خود دچار سوء تفاهم گردیده بودند. جناب حضرت صبغت الله مجددی هنگامی که برای آخرین بار مجلس را افتتاح نمود از عدم اعتدال در فضای مجلس شکایت نمود و با سخنانی دلچسپ موضوع را به گونهٔ غیر مستقیم تأیید نمود. جناب مجددی گفت که حد اعتدال وجود ندارد و گاهی مجلس چنان گرم می شود که آدم را می سوزاند و زمانی چنان سرد می شود که آدم را به پوشیدن پوستین وا می دارد.

حضرت صاحب هم چنان شعری را خواند «کریما ببخشای بر حال ما که هستیم اسیر کمند هوا».

این شعرنیزبا فضای حاکم برمجلس بی ارتباط نبود.

مقام ریاست لویه جرگه در حالی که فضای بی اعتمادی و تشنج هنوز هم بر فضای مجلس حاکم بود، پیشنهاد کرد که یا رأی گیری را ادامه بدهید و یا این که همه فیصله ها به فردا معطل گردد. آگاهان می گویند که مداخله در کار کمیتهٔ تفاهم سبب بروز این همه تشنج گردیده است و مداخله گران در کوشش هستند که تا فردا راهی را برای ترمیم این مشکل جستجو نمایند. اما در همین حال گفته می شود که نمایندگان مردم به چیزی کمتر از ارج گذاشتن به نظریات کمیتهٔ تفاهم راضی نخواهند شد.

که در کار کمیتهٔ تفاهم مداخله نموده اند.

به اساس گزارش های دریافتی ۹ نفر از اعضای کمیتهٔ تفاهم در حالی که در جمع ایشان ۸ منشی انتصابی حضور داشت، بعد از پایان یافتن کار رسمی لویه جرگه، تعدیلاتی را به اساس مشوره های ماموران عالیرتبهٔ دولت در نظریات کمیتهٔ تفاهم داخل ساخته اند. جناب حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه از تحریف در نظریات کمیتهٔ تفاهم انکار نورزیده و به صراحت گفت که این کار را من نه بلکه متخصصان و کارشناسان کرده اند. او از انوارالحق احدی رئیس بانک مرکزی و میر محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی به گونه یی صریح و علنی نام برد و هنگامی که آقای فرهنگ را برای توضیح فراخواند، هیچ گونه توضیحی به مجلس ارایه نگردید. هنگامی که تشنج بر فضای مجلس حاکم گردید، تعداد کثیری از نمایندگان از اشتراک در رأی شماری های تحمیلی اجتناب نمودند. نمایندگان مردم خواستار اند تا به نظریات کمیتهٔ تفاهم ارج گذاشته شود و از مداخله در کار لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی خودداری شود. یکی از نمایندگان گفت که کم بها دادن به نظریات کمیتهٔ تفاهم به معنی بی ارزش ساختن کار ۱۶ روزهٔ نمایندگان است و نباید کسی به خود چنین حقی را بدهد.

شمار دیگر از وکلا در مورد استقلال عمل هیأت مدیرهٔ لویه جرگه اظهار شک و تردید کردند.

نمایندگان مردم سخن می گویند

احتجاج امروز وکلا نیز به خاطری صورت گرفت که آنان خواستار ارج گذاری به کار کمیته» تفاهم می باشند. ما از هیأت رئیسه خواهانیم که جز وکلا هیچ وزیر ویا ناظری را حق ندهند که در کار نمایندگان مردم مداخله نماید.

نصیر الله محمدی وکیل منتخب بدخشان وعضو کمیتهٔ تفاهم گفت:

به اساس اعلان روز قبلی هیأت رئیسه باید رأی گیری جهت تعدیلات قانون اساسی به ساعت ۹ قبل از ظهر آغاز می شد، اما عدم رعایت تعدیلات ودستبرد افراد غیر مسؤول در مسوده به بی سروسامانی مجلس منجر گردید. هیأت رئیسه قبول دارد که بالای چند مادهٔ اساسی رأی گیری شود. تشکیل دیوان عالی مراقبت از قانون اساسی، تابعیت دوگانهٔ وزرا، رسمی شدن لسان ازبکی، تعدد معاونان رئیس جمهور وسایر مواد در این جمله شامل است، ولی ما خواهان ارج گذاشتن به کار کمیته» تفاهم می باشیم.

حاجی الله بردی سرخی وکیل منتخب خان چار باغ ولایت جوزجان:

وضعیت فعلی لویه جرگه متشنج است، خواسته های وکلا برآورده نشده است و از نزده موادی که در کمیتهٔ تفاهم پیشنهاد شده بود شامل تغییرات در حدود صلاحیت های رئیس جمهور، صلاحیت نشر پول. تحصیلات عالی رایگان، رسمی شدن لسان ازبکی و ترکمنی در پهلوی لسان های دری و پشتو می باشد. امید است وضعیت اصلاح گردد.

گزارشگر: نظام الدین ملکیار

ایران در سوگ قربانیان . . .

اما کار تنها در کمک به قربانیان زلزله خلاصه نمی شود. کار اصلی بازسازی این شهر است که باید روی دست گرفته شود و حتما این کار صورت خواهد گرفت اما آثار تاریخی این شهر از جمله ارگ آن امکان بازسازی ندارد و نه تنها ایران بلکه همه» جهان یک میراث با ارزش تاریخی فرهنگی را ازدست داده است.

خبر این حادثه در کشور ما نیز انعکاس گسترده داشت و موجب تاثر مردم ما گردید و دولت افغانستان نیز مبلغ یکصد وپنجاه هزار دالر به زلزله زدگان کمک کرد. در عین حال ایرانیان مقیم کابل نیز مرکزی را برای کمک به زلزله زده گان تأسیس کرده اند.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۴ | چهارشنبه ۱۰ جدی ۱۳۸۲ | ۸ ذوالقعده ۱٤۲٤ - | 31 December 2003

نمایندگان مردم سخن می گویند

هفدهمین روز لویه جرگه چگونه بود؟

دکتر عبدالودود نمایندهٔ منتخب ولایت بدخشان گفت:

یک تعداد وکلا به عنوان اعتراض علیه هیأت رئیسه در مورد طرح جدید رای شماری، اعتصاب کردند و به حوزه هایی که از طرف هیأت رئیسه اعلان شده بود نرفتند ومنتظر ماندند که چه خواهد شد. علت دیگر اعتصاب عدم استقلالیت عمل هیأت رئیسه می باشد و هیأت رئیسه تحت تأثیر افراد ومقامات رفته است ومی خواهد طرح نادرست آن ها را بالای وکلا تحمیل نماید.

خانم نجیبه نورستانی وکیل منتخب نورستان گفت:

علت عمدهٔ احتجاج وکلا را عدم رعایت تعدیلات وضع شده در کمیته ها تشکیل می دهد وضمناً اعتراضاتی نیز از جانب وکلا مبنی بر نداشتن اجندای درست و منظم در لویه جرگه صورت گرفته است. فکر می شود که لویه جرگه چندین روز دیگر نیز دوام خواهد کرد. خواست ما از وکلای محترم این است که تحت تأثیر قرار نگیرند وعدالت اجتماعی را رعایت نمایند و یک وثیقهٔ ملی همه جانبه را باحوصلهٔ تمام تصویب کنند وملت را از بدبختی نجات بدهند.

گل احمد یونسی وکیل منتخب ولایت بلخ وعضو کمیتهٔ تفاهم گفت:

هرمجلس به اجندایی که باید در روزهای اول به صورت درست ترتیب شود نیاز دارد. عدم موجودیت اجندای مشخص و منظم مجلس را به تشنج می کشاند چنانچه همین طور شد. در کیمتهٔ تفاهم ۱۲۴ مادهٔ موافق، ۲۲ ماده نیازمند به بحث و۱۴ ماده اختلافی تشخیص شده بودند. وقتی امروز به تالار حاضر شدیم در ارقام فوق دست خوردگی هایی وجود داشت که از طرف انوارالحق احدی رئیس بانک و آقای فرهنگ وزیر بازسازی وارد شده بود.

ص۳



دکتر عبدالودود



خانم نجیبه نورستانی



گل احمد یونسی

از نامه های آمده

آفرین بر جرأت دکتر رهین!

به گردانندگان محترم جریدهٔ مجاهد!

ضمن تقدیم سلام خواهشمندم نامهٔ مرا که از طریق فکس خدمت تان می فرستم به دست نشر بسپارید:

روز یکشنبه ۷ قوس محترم سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ طی سخنرانی یی در لویه جرگه، از خویشتن به عنوان کسی که در دوران جهاد بیشترین خدمت را در بخش فرهنگی جهاد انجام داده است نام برد و فرمود که من در این راه شخص اول بوده ام و اگر کسی ادعا دارد که از من در این راه پیشقدم تر بوده است، می خواهم او را بشناسم.

من از جملهٔ مهاجرینی هستم که در دوران جهاد علاقه یی زیاد به مسائل فرهنگی داشتم و آثار فراوانی از آن دوران را که اثر خامهٔ نویسندگان مجاهد ما بود خوانده ام. تعدادی از کتابهایی را که در دوران جهاد به چاپ رسیده است هنوز هم دارم. نام ها برایم آشناست اما با کمال تاسف باید بگویم که نام جناب رهین به عنوان یک شخصیت اهل قلم و فرهنگ را خیلی کم شنیده بودم. من در حیرت و متأسف از این هستم که چگونه کسی را که در سنگر جهاد فرهنگی پیشقراول همه بوده است، تا روز یکشنبه ۷ قوس امسال نمی شناختم.

برای جبران مافات بسرعت نزد تنی چند از دوستان که با تنظیم جناب حضرت صاحب ارتباط نزدیک تر داشتند رفتم. یکی از دوستان در این مورد گفت که محترم رهین کتابهایی در دوران جهاد نوشته اند ولی در اکثر کتابها نخواسته اند تا نام خود را بنویسند از آن جمله کتابی از ایشان بنام (سالار مجاهدین) را نام بردند که در مناقب و شخصیت جناب حضرت صبغت الله مجددی نوشته اند. من اتفاقا آن کتاب را داشتم و به این بهانه بار دیگر آن را مرور کردم. در جاهایی از کرامات جناب حضرت صاحب نیز سخن به میان آمده بود ولی این که نویسنده از نوشتن نام خود در کتاب خودداری ورزیده اند، مشخص بود که خود به آنچه که نوشته اعتماد ندارد و به دلیل این که در مورد نوشته هایش مورد سوال قرار نگیرد، نام خود را ننوشته است.

دوست دیگری در مورد سابقهٔ خدمات محترم رهین به جهاد گفت که محترم حضرت صاحب مجله یی بنام (عروه الوثقی) را اساس نهادند که محترم رهین هم یکی از دست اندرکاران آن بود. وی در مقاله یی با نقل قول نادرست از کتاب (مکتوبات) امام ربانی به علمای دین توهین کرده و اصرار می داشت که آن مقاله اش به نشر برسد. هر قدر برایش می گفتند که منظور امام ربانی علمای دین در مجموع نبوده و از شخصیتی چون او این کار مستحیل است. زیرا پیامبر (ص) علمای دین را وارث پیامبران خوانده اند. منظور امام ربانی علمای سوء است. اما آقای رهین بر این پافشاری داشت که منظور امام ربانی، علمای دین به صورت مطلق است و نظر مشایخ و اهل طریقت چنین است.

این حرف به محترم حضرت صاحب رسید و رهین را از چنین کار هایی که هدف از آن در برابر هم قرار دادن علمای دین و مشایخ بود برحذر داشت. تصور کنید که اگر چنان مقاله یی در آن زمان به نشر می رسید، چه اختلافی را در صف جهاد موجب می شد.

به هر حال امید است آقای رهین از نوشتن این جملات من ناراحت نشوند اما ملت مجاهد ما نام همه کسانی را که مصدر خدمتی به جهاد شده اند به خاطر دارند و همان گونه که محترم رهین هم در آن بیانیه فرمودند، کسانی را که به جهاد خیانت کرده اند هم به یاد خواهند داشت. اگر امروز کسانی شمشیر به خون آن اژدها سرخ کنند و مدعی شوند که منم مرد کارزار، کسی باور نخواهد کرد.

اگر مرحوم استاد خلیل الله خلیلی حیات می داشت و چنین ادعایی می کرد، دور از حقیقت نبود. اگر از کسانی چون عشرتی، شهرانی، عبدالله خاموش هروی، مولانا قیام الدین کشاف، مرحوم کشکی... از جملهٔ کسانی که قلمهای شان در دوران جهاد بازگو کنندهٔ حقایق و روشنگر دقایق بود نام ببریم، شاید دور از حقیقت نباشد. اما این خیلی جرأت می خواهد که شخص گمنام در دوران هجرت و جهاد، امروز در حضور جمعی که اکثریت شان دست پرورده های دوران جهاد اند، چنان ادعایی بزرگ بنماید. واقعا که خیلی جرأت می خواهد!

و من حق دارم که بگویم «آفرین به جرأت دکتر رهین!»

بااحترام

برادر شما ناظری از پشاور

ایران در سوگ قربانیان زلزلهٔ بم

روز جمعه تکان های شدید زلزله، شهر تاریخی بم در استان کرمان ایران را به خاک یکسان کرد. طبق آخرین آمار ها تعداد قربانیان این فاجعهء بزرگ بشری به بیش از بیست هزار تن خواهد رسید. تاکنون حدود پانزده هزار از جانباختگان این فاجعه به خاک سپرده شده و هزاران تن از مجروحان به شفاخانه های سراسر ایران فرستاده شده اند.

هرچند منطقهء کرمان ایران از مناطق زلزله خیز این کشور به شمار می آید ولی زلزله یی چنان شدید در طول قرن ها در این شهر سابقه نداشته است. ارگ تاریخی شهر بم که یکی از آثار تاریخی بسیار باارزش کشور ایران بود، در اثر این زلزله با خاک یکسان شد. این بنای بزرگ تاریخی یکی از بزرگترین بنا های ساخته شده از خشت در جهان بود. ابعاد این فاجعه به حدی بود که رئیس جمهور ایران از جامعهء بین المللی تقاضای کمک کرد در حالی که قبلا در چنین مواردی ایران از جامعهء جهانی کمک نمی خواست. روز دوشنبه یک طیارهٔ امریکایی حامل کمک ها بشری پس از سالها در خاک ایران فرود آمد.

البته این بار نخست نیست که ایران با حوادث طبیعی و مصائب ناشی از آن مواجه می شود و آنچه که در این گونه حوادث واقعا در خور تحسین است، احساس همبستگی ملی است که در ملت ایران بسیار قدرتمند است و حس انساندوستی و کمک به همنوع آن را قدرتمند تر می سازد.

همین که خبر وقوع زلزله از طریق رسانه های خبری به نشر رسید، مردم در سراسر ایران برای اهدای خون به مجروحان حادثه به مراکز اهدای خون شتافتند و صف های منتظران برای اهدای خون بحدی طولانی شد که خون دهندگان باید ساعت ها در انتظار نوبت می ماندند.

مردم سراسر ایران به اهدای آنچه در توان داشتند به زلزله زدگان پرداختند و دولت با اعلام این که به دارو نیازی نیست و در شفاخانه ها دارو به قدر کافی موجود است، از مردم خواست که از کمک دارویی دست بردارند. اما با جود چنین آمادگی ها، مقامات مسؤول مورد انتقاد قرار گرفته اند که در ارایهٔ کمک ها سرعت و کارائی لازم را نداشته اند.

بم از جملهٔ مناطق گرمسیر و زراعتی جمهوری اسلامی ایران بوده و پیداوار آن بیشتر شامل خرما، مالته و سایر میوه های مناطق گرمسیری می باشد. جمع کثیری از مهاجرین افغان نیز که در طول سالهای جنگ به ایران پناهنده شده بودند، در شهر وروستا های اطراف بم زندگی می کردند و بشکل کارگر در باغها مشغول کار بودند. در اثر این زلزله شاید تعداد کثیری از آنان نیز جانهای خود را از دست داده و یا مجروح شده اند که اجساد حدود ۷۰۰ تن از آنان از طریق مرز فراه به کشور منتقل شده است.

ص۳

